



## حجت الاسلام محمد مهدی خراسانی

۱۸ مرداد ۱۳۷۹ (کرمان) | ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۱ (نائین)

راوی: محمد مهدی نکویی  
نویسنده: حمیدرضا شاکر - خبرگزاری رسا

در آن هوای طوفانی و پر از گرد و خاک کرمان، با چند نفر از رفقا خودمان را به بیمارستان رساندیم؛ چه ظهر شنبه دردناکی بود؛ هوای طوفانی جاده و پل، دست به دست هم داده بودند تا رفیق جهادی ما را ساعت دوازده، نرسیده به نائین از قطار دنیایی جهاد پیاده کنند.

سرنوشت عجیبی است، تو در هر عرصه ای که نیاز بود جهاد کردی و نخواستی کسی تو را بشناسد و معتقد بودی او که باید ببیند، قطعاً پیش از انجام کار دیده و پذیرفته است. اما حالا با رفتن عده زیادی تو را خواهند شناخت و رهرو راهت خواهند بود. محمد مهدی خراسانی طلبه کرمانی بود که از سال ۱۳۹۳ وارد حوزه علمیه شد و دروس مقدمات و سطح یک خود را در کرمان گذرانده و برای ادامه تحصیل در سطوح عالی به قم هجرت کرده بود. عاشق کارهای جهادی بود و برایش سیل و زلزله و کرونا تفاوتی نداشت. برای او خدمت‌رسانی به بندگان خدا هدف بود و عبادت را خدمت به خلق توصیف می‌کرد.

محمد مهدی مثل جهادگرانی که در میان ما بودند و با لباس جهاد از بین ما رفتند، آرام و بی دغدغه پر کشید و به سوی معبود و معشوق خود شتافت و ما ماندیم و کوله باری از خاطرات تکرار ناشدنی.

### اخبار برگزیده

#### ضرورت انعکاس فعالیت‌های جهادی طلاب در رسانه‌ها

اعضای دبیرخانه هماهنگی گروه‌های جهادی حوزه های علمیه در دیدار با دبیران خبرگزاری رسا، ضمن تأکید بر ضرورت انعکاس فعالیت‌های جهادی طلاب در رسانه‌ها و تولید محتوای رسانه‌ای توسط اعضای فعال گروه‌های جهادی، در خصوص گسترش همکاری‌ها برای انعکاس فعالیت گروه‌های جهادی حوزوی، با دبیران این خبرگزاری گفتگو کردند.

#### گردهمایی دبیران استانی دبیرخانه هماهنگی گروه‌های جهادی حوزه‌های علمیه

دبیران استانی در این گردهمایی دو روزه در قم، به ارائه گزارش عملکرد گروه‌های جهادی حوزوی استان‌ها در سال گذشته پرداختند. بررسی چالش‌های گروه‌های جهادی، تدوین برنامه‌های اجرایی در سال ۱۴۰۱ و هم‌اندیشی در باب گسترش گفتمان جهادی در حوزه‌های علمیه کشور، بخشی از موضوعات مورد بحث در این گردهمایی بود.

#### اردوی جهادی در روستایی که تاکنون رنگ روحانی به خود ندیده است

مسئول گروه جهادی «آتش به اختیار» شهرستان زرنده: حضور پرنسپل خواهران و برادران طلبه در اردوی جهادی در بخش شهداد و برگزاری حلقه‌های معرفتی، موجب همراهی حداکثری اهالی با برنامه‌ها و درخواست برگزاری مجدد این اردوها شد. این منطقه را به دلیل اینکه تاکنون هیچ طلبه ای در این روستاها حضور نیافته بود انتخاب کردیم.

از همان اول، بنا داشتیم که فقط گوینده باشیم؛ می‌خواهیم دعوتان کنیم به نوشتن در این نشریه. شما هم می‌توانید یک ستون، یا تمام محتوای نشریه را به عهده بگیرید و حرفه‌ایان را از این تریبون به گوش طلبه‌ها برسانید.

در شناسه @khatejihad.admin@ایتامنتظر مطالب و نظرات شما هستیم.

### همراه شوید

#### ارتباط با ما

ماهنامه خط جهاد   شماره پنجم   سال اول   ماه پنجم   شماره پنجم	khatejihad	@khatejihad_admin
صاحب امتیاز: دبیرخانه هماهنگی گروه‌های جهادی حوزه‌های علمیه کشور	www.jahadgaranhowzavi.com/mag	
مدیر مسئول: ابوالفضل علیخانی   سردبیر: روح الله جلالوند   مدیر هنری: عبدالحمید ابراهیمی نیا	۰۲۵-۳۲۹۴۲۱۰	khatejihad.mag@gmail.com
تحریریه: مهدی کمیلی فر، عبدالحسین مهدوی   ویراستار: امید صادقی		

#### شناسنامه

# خط جهاد

ماهنامه تخصصی جهادگران حوزوی / خرداد ۱۴۰۱ شماره پنج

### سخن نخست

## ما که عمَله نیستیم!

مهدی کمیلی فر

هنوز سروصداها در مورد اینکه چرا طلبه باید آستین بالا بزند و برای مردم عملگی کند، نخوابیده بود که استاد با ماژیک مشکی نوشت:

«إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِالْخِدْمَةِ!»

بعد ماژیک سبز را برداشت و عبارت را با کلمه «العالم» تکمیل کرد.

قبل از اینکه توضیحی بدهد، طلبه‌ها دوباره مباحثه‌شان بالا گرفت که «خدمت» شامل چه مواردی است؟ و آیا بیل زدن هم در آن می‌گنجد، یا نه؟! وقتی بحث‌ها آرام شد، استاد گفت: از مهم‌ترین تجربه‌های تبلیغی من اینه که اگه بهترین منبر و محتوا رو هم آماده کنید، اما کسی نباشه که پای حرفتون بشینه، تبلیغتون گره می‌خوره... یادتون باشه برای جذب اولیه مخاطب محبت و خدمت بر منطق و استدلال تقدم داره؛ یکی از برکات کار وسط میدون و خادمی خالصانه برای رفع گرفتاری مردم اینه که اونها مشتاقانه به سمتتون میان؛ اونوقته که فرصت عرضه هنرهای تبلیغی و طلبگیتون رو پیدا می‌کنید...

بذارید خاطره‌ای از یک دوست مبلّغ غیرایرانی براتون تعریف کنم: ایشون یه روز تو شهرش با پوستر «خدمات پزشکی رایگان» مواجه میشه که ظاهر اون با پوست‌های بومی‌شون متفاوت بوده؛ از همراهش در مورد هویت افرادی که قصد ارائه خدمات پزشکی دارند سوال می‌کنه و این جواب رو می‌شنوه: این‌ها اهل کشور ما نیستند، بینشون یهودی و مسیحی هست و حتی ممکنه بعضیاشون بی‌دین باشند؛ اما هرچی که هستند از شما طلبه‌ها بهترند! چون بدون اینکه حرفی بزنند همه‌جور خدمتی به ما می‌کنند؛ اما شما بدون اینکه کاری کنید، فقط حرف می‌زنید!

این تحلیل کوتاه که جای دوست و دشمن توی اون تغییر کرده بود، بدون هیچ اجباری و فقط با تکیه بر عنصر خدمت، توی ذهن اون شخص، نقش بسته بود...

«الإنسانُ عَبْدٌ الْإِحْسَانِ»؛ چند لحظه بعد، میان سکوت طلبه‌ها، این سه کلمه هم با رنگ قرمز، روی تابلو جلوه‌نمایی کرد.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۱۹  
۲. غررالحکم و دررالکلم، ج ۳، ص ۲۶۳

شأن طلبگی این است که انسان يك زئی متوسطی همراه با قناعت، سلامت مالی و سادگی به طور نسبی برای خودش نگه دارد. سلامت اخلاقی، خیلی مهم است. آن وقت قداست حفظ خواهد شد.  
[رهبر معظم انقلاب ﷺ ۱۳۸۵/۰۸/۱۷]



## پله آخر اخلاق

گفت‌وگوی اختصاصی «خط جهاد» با حجت‌الاسلام و المسلمین استاد اسحاقیان

### اشاره

بعضی‌ها خود را وقف آرمانشان می‌کنند. حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ‌قدمعلی اسحاقیان هم خود را وقف دین کرده است. از ۱۶ تا ۲۲ سالگی مزارت اسارت در زندان‌های رژیم بعثی را تحمل کرده تا خدا نعمت کسب علم و معنویت از محضر آیت‌الله یحیی انصاری شیرازی را در جوار حضرت معصومه علیها السلام نصیبش کند. در ۲۴ سالگی به سفارش استاد و به دست آیت‌الله العظمی اراکی معمم شد. سال‌هاست که سیر تربیت و تعلیم طلاب را تنظیم نموده و بی‌وقفه تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد. با تهدید داعش، خود و شاگردانش عازم می‌شوند. شهدای روحانی مدافع حرم؛ مالمیری، بیاضی زاده و کریمیان نیز رشد یافتگان همین مسیرند. حجت‌الاسلام والمسلمین استاد اسحاقیان اکنون مدیر مدرسه علمیه امراللهی قم بوده و کتاب «تنهای محجر» بخشی از زندگی پر نشیب و فراز اوست.

گفت‌وگو

## گفتگوی اختصاصی «خط جهاد» با حجت‌الاسلام و المسلمین استاد اسحاقیان، مدیر مدرسه علمیه امراللهی قم

بسم الله جلالوند

**خدمت‌رسانی در مبانی و منابع دینی چه جایگاهی دارد؟**

ضرورت دینی و انسانی‌اش معلوم است. علمای علم اخلاق برای درجات کمال سه پله قائلند؛ پله اول: «ترک الأذی» (نیازردن)، پله دوم: «تحمل الأذی» (نرنجیدن) که حکایات متعددی دارد؛ مثلاً «سید هاشم حدّاد» را تحمل اذیت های یکی از بستگان همسرش به تجزّد روح رساند.

پله سوم و آخرین درجه کمال، «ایجاد راحة للغير» است که امروزه «خدمت‌رسانی» نامیده می‌شود. کسی که دو پله اول خودسازی را بگذراند تازه می‌رسد به اینکه برای دیگران راحتی ایجاد کند. «للاغير» اطلاق دارد؛ فقط مخصوص علما یا حتی همه انسانها نیست بلکه کمک به حیوانات را نیز شامل می‌شود.

«ایجاد راحة للغير» از کارهای کوچک شروع می‌شود. در کارهای تربیتی سفره انداختن و جمع کردن در یک جمع بسیار مهم است. حتی اگر در هر حجره یک خادم بگذارند باز هم کارهایی می‌ماند که باید خود طلبه این‌را عمل کند؛ وگرنه در زندگی متأهلی هم به مشکل می‌خورد.

ما نمی‌گوییم که طلبه باید ظرفشور و رختشور خانه باشد ولی باید آرزو کند که ای‌کاش فرصت داشتم و به خانواده خدمت می‌کردم. دانش‌آموزانی برای پذیرش به همراه پدرشان به مدرسه ما می‌آیند. پدر ابراز تشنگی می‌کند؛ با اینکه چای روی میز است، می‌بینم دانش‌آموز تکان نمی‌خورد یا نمی‌رود آب بیاورد.

**چگونه سایرین و بویژه طلاب به این کار تشویق می‌شوند؟**

بهترین شیوه برای تشویق دیگران، عمل مربی است. مرحوم آیت‌الله انصاری شیرازی

اسیر محبت

وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ﴿٨﴾

و غذای خود را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می‌دهند(۸)

سوره مبارکه انسان(دهر)

# پله آخر اخلاق

گفتگوی اختصاصی «خط جهاد» با حجت‌الاسلام و المسلمین استاد اسحاقیان، مدیر مدرسه علمیه امراللهی قم

بسم الله جلالوند

هرجا می‌رسید کفش‌ها را مرتب می‌کرد؛ او «لله» انجام می‌داد. برخی برای خودنمایی و برخی مریبان برای تعلیم انجام می‌دهند که هیچکدام از این‌ها درست نیست، بلکه باید بخاطر خدا انجام داد. فیلم بازی کردن نتیجه نمی‌دهد.

**سیره علمادرباره خدمت چگونه بوده‌است؟**

آیت الله انصاری شیرازی هیچگاه تبلیغ را رها نکردند. این اواخر در ماه مبارک رمضان رفته بودند کاشان. مردم برای اقامه نماز ظهر منتظرشان بودند. حاج آقا دیر آمدند. عده‌ای رفتند سراغشان. دیدند کفشهای نمازگزاران را مرتب کرده و گونی نخی را خیس کرده و روی کفشها می‌کشند. پس از پیگیری علت این کار از ایشان شنیدند «هوا گرم است و اینها روزه‌دارند؛ وقتی از نماز برگردند کفشهایشان داغ است و اذیت می‌شوند». اگر مبلغ دیگری بود می‌گفت زودتر بروم و موعظه‌ای بکنم و همه را هدایت کنم.

خدمت، ذاتی حوزه و طلبگی و معنویت است. «الذاتی لا یُعَلَّل، الذاتی لا یغْتیر». علم و معرفت و معنویت بدون خدمت قابل تصور نیست.

مرحوم ابوترابی از مبارزان پیش از انقلاب و همراهان امام، اوایل حمله صدام بعنوان نماینده امام در لشکر قزوین وارد جنگ شدند. سال ۵۹ تا ۶۹ اسیربودند. در سال ۷۹ در اثر سانحه تصادف به تعبیر مقام معظم رهبری شهادت‌گونه از دنیا رفتند. این مرد الهی وقتی انقلاب به ثمر نشست یک مرد کامل ۴۰ ساله بود که شروع کرد به خدمت. دیگران را هم تشویق می‌کرد. آزادگان ایشان را بیشتر به خدمت می‌شناسند تا آزادگی.

آقایی در اسارت گفت دوست داشتم عبادتم ویژه و با دقت خاصی باشد. به دکتري که در جمعمان بود مراجعه کردم گفت «من دکتر جسمم و آن آقای ابوترابی



طیب روح است». نزد آقای ابوترابی رفتم. گفتند «سعی کن به دوستانت خدمت کنی». بیرون که آمدم دیدم گوشه اردوگاه شلوغ شده. یکی از هم‌بندی‌هایم از رفتن به بیگاری خودداری می‌کرد. حوصله کار نداشت؛ خیلی وقت بود از خانواده‌اش خبری نداشت. به افسر عراقی گفتم «من به جای او می‌آیم». قبول کرد. رفتم. خیلی هم کار کردم. ظهر که برگشتم تا الله اکبر نماز ظهر را گفتم دیدم نمازم فرق کرده و من که آرزو داشتم هنگام نماز اشک بریزم در حال گریه کردن بودم.

**انگیزه خدمت چیست؟**

کسی که خدمتی می‌کند باید بداند در حال طی کردن درجات عالیه عرفان است. این غرض و انگیزه اصلی است. بعضی افراد هستند که خیلی اهل مسائل معنوی نیستند ولی نسبت به خدمت توجه خاصی دارند و می‌گویند «به این کار عشق دارم». خیلی‌ها که عاقبت‌به‌خیر می‌شوند، از این راه است. برای یک نیازمند خدمت منحصر به فردی انجام می‌دهد که اگر او انجام ندهد دیگری وجود ندارد. عده‌ای می‌گویند ما این همه نماز و توسل داشتیم ولی فلانی از ما سبقت گرفت ـ «بس که ما فاتحه و حرز یمانی خواندیم ا وز پی‌اش سوره اخلاص دمیدیم و برفت» ـ باید به آنها گفت آیا یکبار یک لیوان آب به خاطر خدا دست کسی دادی؟

برای خدا یعنی اینکه چشم‌داشتی نداشته باشی. بعضی می‌خواهند رزومه پُر کنند یا عده‌ای می‌خواهند بین دوستانشان مطرح شوند. ولی عده‌ای هستند که کاری به این کارها ندارند. همه اذیت‌ها را مخلصانه تحمل می‌کنند تا کار پیش رود. او دارد درجات عرفان را طی می‌کند. بعضی‌ها به برکت همین خدمات نمازخوان می‌شوند و

نسل خوبی پیدا می‌کنند. دیگرانی که این ریزه‌کاریها را نمی‌بینند متعجب می‌شوند که فلانی از راه نرسیده به کجاها رسیده است! به حالش غبطه می‌خورم!

طلبه باید از همان اول حس کند محتاج خدمت کردن است. جای اینکه منتظر دوستش باشد تا برود آب بیاورد خودش دنبال این است که به دیگران آب برساند. علما همیشه در خدمت‌رسانی نفر اول بودند. این باید امروز هم باشد. امام‌جماعتی که از درد مأمومین مطلع نباشد یا هیچ کاری انجام ندهد باید در کارش تجدید نظر کند. حداقل کارش این است که بنشیند و درددل ها را بشنود؛ این یعنی مواسات و همدردی. گاهی اوقات با همین شنیدن، مشکلات فراموش می‌شود. فطرت و معنویت کار خودش را می‌کند. جایگاه روحانیت به معنویت بوده و این ها از مصادیق معنویت هستند.

بعضی‌ها با خدمتشان منت می‌گذارند؛

کتابخانه جهادی

## ثواب الاعمال و عقاب الاعمال

خدا رحمت کند شیخ صدوق را؛ رد پا که نمی‌توان گفت ولی اثرش در خیلی از آثار دینی به چشم می‌آید. اگرچه کتاب مستقلی برای جهادگران به تحریر درنیاورده ولی گستردگی زحمات طاقت‌فرسایش می‌تواند الگوی خوبی برایشان باشد. این کتاب هم مانند کتب معرفی‌شده قبلی مشحون است از روایاتی که قول و فعل ائمه اطهار علیهم‌السلام را نقل کرده و انگیزه

کلام معصوم

**جهادی هستی؟**

روایت شیرینی از امام باقر علیه‌السلام

طرف مقابل هم می‌فهمد و شرمنده می‌شود. «لَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ»<sup>۲</sup> و «لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَ الْأَذَى»<sup>۳</sup>؛ می‌گوید اعمال باطل شدنی هستند. بعد از کمک کردن طوری زیرچشمی نگاه می‌کند که کودک هم از لحن و قرائن می‌فهمد. مریضی را به دوش می‌گیرد ولی کاری می‌کند که در راه هزاربار آرزو می‌کند که خدایا مرگ مرا برسان که او اینچنین منت نگذارد.

شخصی نقل می‌کرد پدرم بیش از نود سال سن داشت؛ او را با افتخار برای جابجایی به دوش می‌گرفتم. شبی در کوچه‌ای لغزنده که پدرم بر دوشم بود و مدام زمین می‌خوردم، دیدم پدرم زیرلب به خدا می‌گوید «خدایا برای من بس است و نمی‌خواهم دیگران بخاطر من اذیت شوند». همین پسر هم بالای نود سال عمر کرد و فرزندان همین برخورد محترمانه را با ایشان داشتند.

**برنامه مدرسه برای خدمت چیست؟**

مدرسه به صورت سمبلیک اردوی جهادی می‌برد و از سال ۹۸ تاکنون تعداد قابل توجهی



خدمت‌رسانی را تقویت می‌کنند؛ به طور مثال «ثواب معاونة البر»، «ثواب من قضی لمومن حاجة»، «ثواب من أشبع جائعا»، «عقاب من منع مؤمنا سکنی داره»، «عقاب من أتاه أخوه في حاجة فلم یقضها له» و…

اردوی جهادی برگزار کرده است. اما مهم روحیه افراد می باشد. روزهای تعطیل که امور به دست خود طلاب است، مدرسه تمیزتر و مرتب‌تر به نظر می‌آید. برقراری نظم و نظافت در یک خانه دو سه نفره با این امکانات موجود چندین ساعت وقت می‌خواهد. پس در ساختمانی که ۱۰۰ نفر مداوم در آن حضور دارند، هر لحظه بخواهی فیض خدمت‌رسانی آماده‌است. خانواده‌های طلاب به‌طور معمول جلوترند؛ چون مردان در سیاهه‌های سواد هستند و خانواده‌هایشان در نورانیت کار و خدمت پیش می‌روند. طلاب سعی کنند این فیض‌ها را دریابند. روزهای تعطیل چند طلبه و استاد کتابخانه، حجرات، مدرّس ها و سالن ها را مرتب و تمیز می‌کنند. ایجاد این روحیه برای طلبه‌ها از نان شب واجب‌تر است.

۱.حافظ

۲.سوره محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله، آیه ۳۳

۳.سوره بقره، آیه ۲۶۴

دست‌نوشته

**حرمت نوکری**

پاسداشت مقام روحانی مردمی استاد فاطمی‌نیا

پیرمرد که خم شد، چند نفر دویدند سمتش تا زیر بغلهایش را بگیرند. تقریباً به حالت سجده درآمد و پایه‌های منبر را به احترام انتسابش به پیامبر بوسید. بلند شد و رفت بالای منبرنشست و باجلالت واحترام خاصی از عظمت و وسعت مدرسه امام صادق علیه‌السلام گفت. با جملات ابتدایی‌اش عده‌ای هنوز متوجه منظورش نشده بودند؛ بعد که وارد جزئیات بیشتر شد همه فهمیدند منظورش علوم و معارفی است که از قرن اول و دوم هجری تاکنون دست‌به‌دست و سینه‌به‌سینه منتقل شده و به ما رسیده.

ذکر مصیبت را شروع کرد. به احترام مستمع اصلی روضه -امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام - با اشاره از کنار مصیبت رد شد و به روضه‌های به قول بچه‌هیئتی‌ها «روضه‌ی باز» ورود نکرد.یک‌عمر حرمت خاندان عترت و شیعیانشان را نگه داشت تا به او اجازه دادند در عین بیهوشی، با شنیدن «بفاطمه» چشمش‌رابازکند.

خیلی تشییع‌ها را شرکت کرده‌ام و در هر کدام یک چیزی چشمم را گرفته است؛ یکی شلوغی‌اش، یکی مسیرش و یکی زمانش. اما تشییع این عالم و اعظّ درس‌آموز، عجیب بود؛ بیش از روحانیون که به رسم هم‌کسوتی می‌بایست تشییعش می‌کردند، مردم عادی بودند که احترام روضه‌خوان اباعبدالله علیه‌السلام را نگه داشته بودند. | ع عبدالحسین مهدوی

<sup>[1]</sup> منبع: مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱، ص: ۱۱۵